

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۹

## وظایف روشنفکران و هنرمندان در مقابل و جنگ دولت ترکیه بر علیه روژآوا چیست؟!

«آزادی تنها ارزش جاودانه تاریخ است. اگر کسی نان شما را بگیرد، آزادی شما را هم گرفته و اگر کسی آزادی شما را بگیرد، مطمئن باشید که نان شما هم در معرض تهدید است.» (آلبرکامو)

جنايات جنگی که دولت و ارتش اردو خان در شمال شرق سوریه و عمدتاً مناطق کردنشین روژآوا مرتکب شده است، عمیقاً و به شدت قلب هر انسان آزاده ای را به درد می آورد و دچار شوک می کند. جنایتی که همه حکومت های سرمایه داری جهان، هر کدام به سهم خود، مستقیم و غیرمستقیم در نسل کشی و آزادی کشی مردم آزاده روژآوا و نابودی این سیستم خودگراان دموکراتیک مردمی توسط ارتش فاشیست ترکیه و گروه های تروریستی سوری حامی دولت ترکیه، سهیم هستند! تاریخ این جنایت را هرگز فراموش نخواهد کرد! اردو خان یک جنایت کار جنگی و تروریست و آدم ش است و به همین دلیل نیز باید روزی به پای میز محاکمه کشیده شود!

ارتش ترکیه و نیروهای شبه نظامی مورد حمایت آن، روز چهارشنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸ – ۹ اکتبر ۲۰۱۹، در پی اعلام خروج نیروهای امریکائی از مناطق شمال شرق سوریه، حملات هوائی و زمینی خود را آغاز کردند. عملیات ترکیه از همان روزهای اول با اعتراض افکار عمومی جهانی و انتقادهای جهانی روبهرو شد. چرا که گزارش های نگران کننده ای از کتشار غیرنظامیان و حتی بمباران بیمارستان ها، آمبولاس ها، مناطق مسکونی و غیرنظامیان منتشر شد. برخی رسانه ها از «تیرباران غیرنظامیان کرد» و یا «اعدام» یک زن سیاست مدار کرد خبر دادند. به علاوه اخبار فرار صدها داعشی از اردوگاه ها و زندان های روژآوا منتشر گردید.

پیش تر رجب طیب اردو خان رئیس جمهوری داعشی ترکیه، گاه بی گاه روژآوا را تهدید می کرد و بی شرمانه به پیکارگران روژآوا که پیام آور صلح و دوستی و آزادی و برابری هستند را «تروریست» می نامید.

نیروهای سوریه دموکراتیک روز سه شنبه ۱۵ اکتبر در بیانیه ای خبر از آواره شدن ۲۷۵ هزار نفر در شمال شرق سوریه پس از حملات ارتش ترکیه با همراهی شبه نظامیان مورد حمایت آنکارا داد.

در این بیانیه پس از اشاره به وجود ۷۰ هزار کودک آواره آمده است، «در حالی که هفتمین روز از آغاز جنگ در غرب کُردستان می گذرد، نیروهای ارتش ترکیه با تمام قوا شهرهای غرب کُردستان خصوصاً «سری کانی» را بمباران می کند، همین امر باعث شده هر روز تعداد آوارهگان افزایش یابد.»

در هشتمین روز جنگ اردوخان، هم چنان بر طبل جنگ می‌کوبید و می‌گفتند در سوریه آتش بس اعلام کن؛ هرگز!

نیروئی که برای شکست دادن به گروه تروریستی اسلامی داعش که اتفاقاً مورد حمایت اردوخان و دولتش بود شکست داده و در این راه، حدود ۱۱ هزار جان باخته تقدیم راه آزادی و برقراری صلح کرده است.



به راستی روشنفکران و هنرمندان با مشاهده این جنگ و تروریسم دولتی و غیردولتی علیه بشریت چه وظیفه ای دارند؟ بی گمان روشنفکران و هنرمندان مترقی و مردمی، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه دارند حقیقت را بدون واژه و ترس بیان کنند و بنویسند. این بخش از روشنفکران و هنرمندان باید علیه روابط و مناسبات سرمایه داری و مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان موضع قاطع و محکمی داشته باشند. روشن است که تحلیل علمی و نقد عمیق با اعلام موضع فصلی و خشمگینی زودگذر تفاوت دارد. بنابراین بحث بر سر تند و تیز نوشتن نیست اساس بحث روشنگری است.

اگر روشنفکران و هنرمندان را در سطح کلی تقسیم کنیم آن‌ها هم مانند همه شهروندان جوامع بشری، به طبقات تقسیم می‌شوند و از این رو، منافع طبقاتی شان ایجاب می‌کند که در کجا بایستند.

در یک گفتگوی رادیویی (SWR2) در پاسخ به این سؤال که چرا دیکتاتورها شعر می‌گویند، آلبرت کوشورکه می‌گوید شاید بهتر باشد سؤال را وارونه کنیم، یعنی بپرسیم چرا گاهی شاعران دیکتاتور می‌شوند. به عقیده کوشورکه نخست کتاب دیکتاتور می‌آید، بعد خود دیکتاتور. یعنی برخی دیکتاتورها نخست شاعر و نویسنده و هنرمند اند، بعد تحت شرایطی که همه چیز به هم ریخته و یک نظام سیاسی از نو باید ساخته شود، آن‌ها را با خلاقیت خود می‌سازند و قادر مطلق آن می‌شوند. این کار به عقیده برخی محققان، تحقق بخشیدن به یک رویا، و از این نظر یک کار اساساً هنرمندانه و شاعرانه است. کلام قدرت و قدرت کلام دو روی یک سکه اند. این دو با هم پیوند دارند.

ایناتسیو سلونه، نویسنده ایتالیایی که در «مکتب دیکتاتورها» به یک امریکائی چگونه دیکتاتوربودن را می‌آموزاند، درسی را به «هنر دودوزمبازی و خطر باور کردن دروغ‌های خودگفته» اختصاص داده است: دیکتاتور قطعاً دروغ می‌گوید و دودوزمبازی می‌کند و تقصیر را گردن دیگران می‌اندازد و از آب گل آلود ماهی می‌گیرد، اما نباید دروغ خودش را باور کند:

«سیاست هنر ممکنات است. در عصر تمدن توده ای، محدودمچیزهای ممکن و شدنی تغییر کرده و گسترش یافته، اما معنی اش این نیست که هرکس هر کاری بخواهد بکند. پیشوائی که این اصل را فراموش کند و سرمست گفته های خود شود، خود را مسخره دیگران کرده است.» (اینیاتسیو سیلونه. مکتب دیکتاتورها. ترجمه مهدی سبحانی، نشر نو: تهران، ۱۳۶۳ (چاپ اول)، ص ۱۳۰)

یگان های دموکراتیک سوریه که بخش عمده آن را یگان های مدافع خلق تشکیل می دهند تاکنون حتی یک گلوله هم به سوی ترکیه شلیک نکرده است. اما در مقابل در این سال ها دولت و ارتش ترکیه چه مستقیم و چه غیرمستقیم از طریق نیروهای سوری مورد حمایت خود، به روزاوا حمله کرده و انسان های بی گناه و غیرنظامی را کشته است. ارتش ترکیه حدود یک سال و نیم به همراه گروه های تروریستی سوری به کانتون عفرین حمله کردند و از آن تاریخ تاکنون این کانتون در اشغال آن هاست. اشغالگران در این مدت شهر را غارت کرده اند و مخالفین را ترور، زندانی و شکنجه و اعدام کرده است. در این مدت حدود ۲۰۰ هزار نفر از این کانتون آواره شده اند. ارتش ترکیه در حمله به عفرین ده ها مدرسه، بیمارستان، منابع آب و برق و خانه های مسکونی مردم را از طریق هوا و زمین بمباران کردند. حال با این کارنامه، آیا اردوخان و دولت و ارتش شان تروریست است یا یگان های مدافع خلق روزاوا که از خانه و کاشانه و هم چنین از اهداف و سیاست های آزادی خواهانه و برابری طلبانه و انسانی شان در مقابل تروریسم دولتی و غیردولتی دفاع می کنند تروریست هستند؟!

اکنون نیز از جمله ارتش ترکیه و گروه های تروریستی سوری همراهش به روزاوا می گذرد که در این مدت و در اثر بمباران های هوایی و زمینی صدها تن جان باخته و حدود ۲۰۰ هزار نفر آواره شده اند.

در واقع اردوخان کسی است که در راستای تامین قدرت فردی خود در چهار سال گذشته؛ به انواع و اقسام ترفندها و توطئه ها و جاه طلبی ها متوسل شده است تا همه قدرت را دستان خود متمرکز کند و دیکتاتور مطلق باشد. از این رو، با تعریف و تمجید از حاکمیت های عثمانی و هیتلری، چنین حاکمیت هائی را برای ترکیه امروز مناسب تشخیص داده است. او در سه سال گذشته و پس از شکست کودتای «کنترل و طراحی شده»، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از ارتش گرفته تا دادگستری، دانشگاه ها، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، احزاب و... را پاک سازی کرده است تا همه این نهادها را در کنترل شدید خود بگیرد.

در حالی که اردوخان در نزد بخش آگاه جامعه ترکیه و جهان آدمی منفور و جاه طلب و داعشی محسوب می شود اما برخی هنرمندان معروف ترکیه حامی او هستند به طوری که حتی در حمله به عفرین در کنار این دیکتاتور و جنگ طلب و فاشیست قرار گرفتند.

خوانندگان معروف ترکیه «ابراهیم تاتلیس»، «آزدا پکان» و «سییل جان»، در ردیف آن هنرمندان معروف ترکیه هستند که در کنار دیکتاتورهای تاریخ و در مقابل محرومان و ستم دیدگان ایستادند. آن ها از کشتار مردم عفرین حمایت کردند.



تعدادی از خوانندگان و ورزشکاران مشهور ترکیه، روز یکشنبه اول آوریل ۲۰۱۸، رجب طیب اردوخان، رئیس جمهور داعشی ترکیه را در سفری تبلیغاتی به یکی از پاسگاه های مرزی استان حاتای در مرز سوریه همراهی کردند. آن ها ضمن حمایت از کشتار، جنایت و تجاوز علیه مردم کرد و غیرکرد روژآوا، بار دیگر همانند گذشته که در طول زندگی خود در خدمت دولت های فاشیست ترکیه بودند این بار قتل، کشتار، ترو، اعدام صحرایی، غارت و بمباران های هوایی نیروهای ترکیه و تروریست ها حامی دولت ترکیه، در عفرین را «قهرمان» نامیدند.

«ابراهیم تاتلیس» «آزدا پکان» و «سییل جان»، از جمله خوانندگانی بودند که برای تائید جنایت و کشتار مردم روژآوا از تجاوز نظامی ترکیه به نام «شاخه زیتون» علیه مردم منطقه عفرین سوریه، با اردوخان فاشیست و تروریست همراه شدند.

ابراهیم تاتلیس که در این تاریخ ۶۶ سال داشت خواننده قدیمی و مورد حمایت تمام دولت های مختلف پان ترکیسم و پان اسلامیم بوده و به این معنی خواننده دولتی است. او هر روز زنگ عوض کرده و هرکس که در قدرت باشد به خدمت آن درمی آید. یک روز در خدمت پان ترکیسم های سکولار و فاشیست و روز بعد در خدمت اسلامیت های فاشیست گرایان فاشیست قرار می گیرد. او زاده شهر اورفا در کردستان ترکیه است.



آزدا پکان رجب طیب اردوخان

دیکتاتور ترکیه اردوخان در جریان این بازدید از این پاسگاه مرزی گفت تاکنون بیش از ۳۸۰۰ از مردم و نیروهای مبارز کرد که وی و دولتش آن ها را «تروریست» می نامد در عفرین کشته شده اند و تاکید کرد که «نیروهای ترکیه برای اشغال مناطق بیش تر خود را آماده می کنند.»

در حالی که بسیاری از روشنفکران و هنرمندان جهان هم صدا با صدها هزار مردم آزاده در بسیاری از کشورها و مجامع بین المللی، حمله ترکیه به خاک سوریه و بمباران مناطق کردنشین را به شدت محکوم کردند و شعار اردوخان تروریست - فاشیست سر دادند.

در زمان آغاز تجاوز ارتش ترکیه به عفرین، هزاران معترض در ترکیه به دلیل ابراز مخالفت با این دخالت نظامی بازداشت شدند و اردوخان دانشجویان معترض به این عملیات را «تروریست» خطاب کرده بود.

عملیات ارتش ترکیه روز جمعه ۲۹ دی ماه ۱۳۹۷ با عنوان «شاخه زیتون» در عفرین سوریه علیه یگان های مدافع خلق که اغلب آن ها را کردهای سوریه تشکیل می دهند، آغاز شد.

ارتش ترکیه و گروه های تروریستی سوری مورد حمایت این کشور، در ۵ فروردین ماه ۱۳۹۸، کنترل کامل شهر عمدتا کردنشین عفرین را در شمال غربی سوریه به دست گرفتند. این عملیات به آوارگی نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر از ساکنان این شهر انجامید.



روز ۱۳ مارس ۲۰۱۱ میلادی، ابراهیم تاتلیس در محله شیشلی استانبول بعد از خروج از دفتر شبکه تلویزیونی خود، مورد حمله افراد ناشناس قرار گرفت و ترور نافرجام شد. ضاربان از طریق یک ماشین اقدام به شلیک چندین گلوله کرده و متواری شدند.

اصابت گلوله ای به جمجمه و خارج شدن آن باعث شد دولت ترکیه پرفسور سمیعی رو از آلمان به این کشور بیاورد، سمیعی با یک تیم جراحی در طی ۱۲ ساعت توانست جان ابراهیم تاتلیس را نجات دهد. سمیعی از جراحان طرفدار حکومت اسلامی ایران است و اخیرا نیز نامش در اختلاس های برخی مقامات حکومتی، به ویژه شهردار سابق تهران است.

ابراهیم تاتلیس در آذر ماه سال ۱۳۹۷، با تکمیل فرم عضویت خواستار آن شد که در حزب عدالت و توسعه نام او به عنوان یک عضو رسمی ثبت شود. ابراهیم تاتلیس تاکنون سه بار از زادگاه خود یعنی استان کردنشین شانلی اورفا و یک بار از استان ازمیر، خواهان آن شده که به عنوان نامزد حزب عدالت و توسعه در انتخابات مجلس معرفی شود، اما این تقاضا هرگز مورد قبول سران حزب عدالت و توسعه قرار نگرفته است. با این حال او رابطه خوبی با رجب طیب اردو خان رئیس جمهور ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه دارد و بارها با هم دیدار کرده اند.

در سال ۲۰۱۳ میلادی و در جریان مذاکرات صلح بین ترکیه و پ.ک.ک. هم زمان با سفر مسعود بارزانی و رجب طیب اردو خان به شهر کردنشین دیاربکر در ترکیه، ابراهیم تاتلیس و شوان پرور به طور هم زمان با هم بر روی صحنه رفتند و در چند مورد دیگر نیز هم چون حمله ارتش ترکیه به عفرین در سوریه، تاتلیس به منظور حمایت از اقدام اردو خان و ارتش ترکیه، همراه با چندین هنرمند مشهور دیگر هم چون یاوز بینگل و سییل جان، به مرز سوریه رفته و در آن جا با خواندن آواز از حمله به عفرین حمایت کرده بود.

اما سرانجام به گزارش (سی ان ان ترک)، ابراهیم تاتلیس، برای انتخابات پارلمانی ترکیه، از سوی حزب توسعه و عدالت، حزب حاکم بر این کشور برای حوزه ازمیر کاندیدا شد. انتخابات پارلمانی زودهنگام ترکیه در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ برگزار شد.

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۵ ترکیه، حزب توسعه و عدالت که ۱۳ سال اکثریت بلامنازع پارلمان این کشور را در اختیار داشت، بخش عمده ای از کرسی ها را از دست داد و حزب دموکراتیک خلق ها (HPD) که مورد حمایت کارگران، علوی ها، ارمنی ها، هم جنس گرایان و مردم کرد است توانست با اخذ ۱۳ درصد آراء برای اولین بار به پارلمان راه یافت.

اردوخان آخرین باری که درباره ابراهیم تاتلیس اظهار نظر کرد در حضور مردم وان شمال کردستان گفت که ابراهیم نیز کرد بوده و مانند (جردوان ها) یا (همان نیروهای محلی ارتش ترکیه برای مقابله با مبارزین کرد)، عزیز است.



رجب طیب اردوخان نخست وزیر وقت ترکیه روز ۲۵ آبان ۱۳۹۲ - ۱۶ نوامبر ۲۰۱۳ در شهر دیاربکر، برای نخستین بار میزبان مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق بود. به گزارش خبرگزاری آناتولی، در بخشی از مراسم دیدارهای بارزاین و اردوخان در دیاربکر، مراسم ازدواج دسته جمعی زوج های جوان برگزار شد که در این مراسم دو چهره معروف موسیقی کردهای ترکیه یعنی «ابراهیم تاتلیس» و «شوان پرور» حضور پیدا کردند و آواز خواندند. ابراهیم تاتلیس پس از ترور دو سال و نیم پیش کم تر در عرصه عمومی ظاهر می شود. او سرمایه گذاری های عظیمی در کردستان عراق در بخش هایی چون ساختمان سازی کرده است.



رجب طیب اردوخان رئیس جمهور ترکیه جمعه ۱۱ دی ماه ۱۳۹۴، در پایان سفر خود به عربستان، در سخنانی در جمع خبرنگاران گفت: «در یک نظام واحد (مانند ترکیه)، یک سیستم ریاست جمهوری می تواند به طور کامل عمل کند.

روزنامه های ترکیه به نقل از رئیس جمهوری این کشور نوشتند: در سایه نظام وحدت موجود در ترکیه، می توان نظام ریاست جمهوری فوق العاده را در کشور برقرار کرد، در جهان و در طول تاریخ نمونه های متمیزی از این نظام موجود است و به عنوان مثال می توان نظام هیتلر در آلمان نازی را نام برد. او تاکید کرد: نمونه هایی از این دست در جهان و تاریخ وجود دارد. شما می توانید این مسأله را در آلمان هیتلری مشاهده کنید.

اردوخان افزود که در سال جدید تصمیم دارد جامعه ترکیه را برای بحث و جدل درباره دست یابی به توافق اجتماعی به منظور رسیدن به آرمان های ریاست جمهوری خود بسیج کند.

اردوخان خواهان تغییر قانون اساسی در این کشور بود تا نقش رئیس جمهوری از یک منصب تشریفاتی به منصبی با اختیارات گسترده تر تغییر یابد.

اردوخان گام به گام و با طرح های سرکوبگرانه به خصوص پس از اجرای «کودتای نافرجام» این خواسته خود را بر جامعه تحمیل کرد و به موقعیت هیئتلی رسید. اردوخان پس از سرکوب کودتای کنترل شده و احیانا با اطلاع خودش، حدود ۲۰۰ هزار نفر نظامی، پلیس، قاضی، معلم، پرستار، روزنامه نگار، استاد دانشگاه و... را از کار اخراج کرد و برای ۴۰ هزار نفر از آنان پرونده های قضائی باز کرد. به عبارت دیگر، اردوخان در سیستم ترکیه یک خانه تکانی در جهت افکار هیئتلی خود انجام داد.

علاوه بر این هنرمندان حامی دیکتاتور و جنگ، برخی ورزشکاران معروف ترکیه نیز چنین سیاسی را پیش گرفته اند و از جنگ طلبان دفاع می کنند.

بازیکنان و مسؤلان تیم ملی فوتبال ترکیه از حمله نظامی ارتش کشورشان به کردهای سوریه حمایت می کنند. یک بازیکن ترک تبار در آلمان در این باره موضع گرفته و دچار مشکل شده است. دو بازیکن تیم ملی آلمان هم خبرساز شده اند.



سلام نظامی فوتبالست های ترکیه

روز دوشنبه، ۲۲ مهر - ۱۴ اکتبر، باشگاه سنت پائولی هامبورگ قرارداد خود با فوتبالست ترکیه ای، جنک شاهین، را به حالت تعلیق در آورد. او تا اطلاع ثانوی حق شرکت در تمرین ها و مسابقه های این باشگاه را ندارد.

سنت پائولی در بیانیه ای اعلام کرد که با وجود تفاهم برای «برداشت ها و مواضع متفاوت» فوتبالست هائی که آبشخور فرهنگی متفاوتی دارند، با هر گونه تبلیغ برای عملیات جنگی مخالف است.

جنک شاهین با انتشار پیامی در اینستاگرام از حمله ارتش ترکیه به مناطق کردنشین شمال شرقی سوریه حمایت کرده بود. او در کنار عکسی از پرچم ترکیه نوشته بود: «ما در کنار ارتش قهرمانان هستیم. دعای ما همراهتان است.»

فوتبالست ترکیه ای می تواند با وجود اقدام تنبیهی از جانب سنت پائولی، در باشگاه های دیگر تمرین یا در مسابقات آن ها به عنوان بازیکن مهمان شرکت کند.

شاهین در تابستان ۲۰۱۶ به باشگاه هامبورگی پیوست و تاکنون در ۶۲ مسابقه آن شرکت داشته است. این فوتبالست ۲۵ ساله پیش تر در باشگاه باشاک شهیر استانبول بازی می کرد، باشگاهی که به رئیس جمهوری ترکیه رجب طیب اردوخان نزدیک است.



جنگ شاهین، بازیکن سنت پائولی

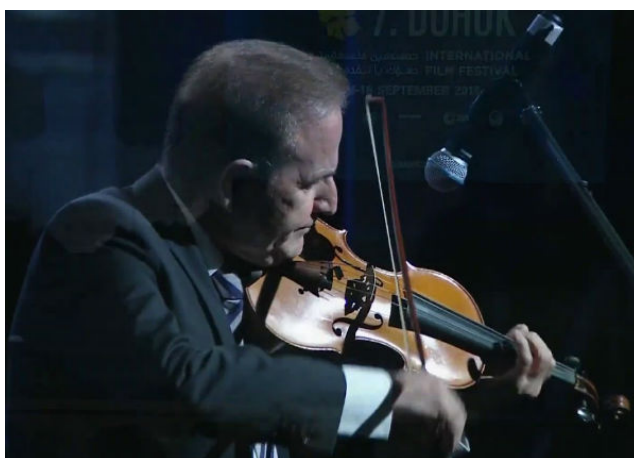
دو بازیکن ترک تیم ملی فوتبال آلمان، ایلکای گندوگان و امره جان هم عکسی را که جنگ توسون، بازیکن تیم ملی ترکیه در اینترنت منتشر کرده بود، لایک زده بودند.

این عکس تیم ملی ترکیه را در حال ادای سلام نظامی نشان می دهد. توسون عکس را به «ملت» خود تقدیم کرده بود، «به ویژه آن ها که برای کشورمان جان خود را به خطر می اندازند.»

دو فوتبالیست ترک تیم آلمانی پس از انتقادهای فراوان لایک های خود را پس گرفتند و اعلام کردند که قصد حمایت از حمله نظامی ترکیه به کردهای سوریه را نداشته اند بلکه فقط برای خوش آمد دوست و همکار پیشین شان، توسون، اقدام به این عمل کرده اند.

هم فدراسیون ملی فوتبال آلمان و هم اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) مصمم هستند، در این باره تحقیقات جداگانه ای انجام دهند.

اما کم نیستند هنرمندان مردمی که علیه جنگ، فاشیسم، تروریسم دولتی و غیردولتی و دیکتاتورهای چون اردوخان هستند. برای مثال، دلشاد محمد سعید، یکی از موسیقی دانان کرد است که موفق شده با موسیقی و با به کارگیری ساز ویلون، موسیقی غرب و موسیقی کردستان را به هم نزدیک کند. بعد از نبرد سنجان (شنگال) در سال ۲۰۱۵ سعید سمفونی «پیشمرگه» را درباره قتل عام ایزدی ها را ساخت. این سمفونی را ارکستر سمفونی جمهوری چک اجرا کرده است.



دلشاد محمد سعید



در جنگ سنجار بیش از پنج هزار نفر از ایزدی ها کشته و بیش از پنجاه هزار نفر از خانه و کاشانه خود آواره شدند. پنج هزار نفر از زنان ایزدی نیز هم چون غنایم جنگی به اسارت و در تملک داعشی ها درآمدند. دلشاد محمد سعید در سال ۱۹۵۸ در دهوک در اقلیم کردستان عراق متولد شده. او تحصیلاتش را در مدرسه عالی موسیقی بغداد و در بریتانیا و در اتریش به پایان رسانده است. رساله دکتری او درباره ریتم های جدید در موسیقی کرمانجی است که در موسیقی سایر ملت های خاورمیانه یافت نمی شود. سعید در مصاحبه ای می گوید: از سرکوب، بی عدالتی، گرسنگی و بهره کشی نفرت دارد و در همان حال رفاه و عدالت برای انسان ها را دوست می دارد...»

هفته گذشته کیهان کلهر، موسیقی‌دان برجسته در کنسرت اش در لندن به همراه «رامبرانت تریو» اعلام کرد که در اعتراض به تهاجم نظامی ترکیه به مناطق کردنشین سوریه کنسرتش در استانبول را لغو می کند. کلهر سپس قطعه ای را به زبان کردی خواند و آن را به کودکان کرد تقدیم کرد. (منبع: رادیو زمانه، ۲۳ مهر ۱۳۹۸)

اردوخان در حمله به شمال سوریه جاه طلبی و فاشیسم مذهبی را به اوج رسانده است. اردوخان نیز دچار توهم خودبزرگ بینی شده است. در روزهای اخیر، یکی از مفتی های کشور ترکیه به صراحت علیه کردها مطالبی بیان داشته است. در هفتصد سال گذشته ترک ها در کشور ترکیه سکونت کردند که در چهارصدسال آن حکومت عثمانی تشکیل دادند و به مرور زمان قلمرو خود را افزایش دادند. در طول این سالها بر یونانی ها، ارمنی ها، آسوری ها و کردها غلبه کردند. این سخنان تنها در راستای توسعه طلبی و کشورگشائی و نئوعثمانی گری مطرح می شود. واقعیت این است که یک سوم جمعیت کشور ترکیه را کردها تشکیل می دهند که سال ها نتوانسته اند به زبان کردی صحبت کنند و از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود برخوردار گردند.

در حال حاضر، ارتش ترکیه جنگ وسیعی را آغاز کرده اما در نهایت به اهداف خود نخواهد رسید. در گذشته نیز این نوع جنگ ها وجود داشته است. فرانسه در الجزایر چنین رویکردی را دنبال می کرد که با مقاومت مردم الجزایر در نهایت به هدف خود نرسید و مجبور شد خاک الجزایر را ترک کند. این اتفاق برای امریکا در ویتنام نیز رخ داد و امریکا پس از جنگی بی ثمر مجبور شد خاک ویتنام را ترک کند. روسیه در افغانستان نیز با چنین وضعیتی مواجه شد و در نهایت مجبور شد خاک افغانستان را ترک کند. شاید در جنگ طلبی کنونی مردم کرد قربانیان زیادی بدهند اما این اقدام اردوخان، به عنوان بزرگ ترین جنایت تاریخ علیه بشریت ثبت خواهد شد.

برتولت برشت برترین نمایش نویس و یکی از بهترین شاعران قرن بیستم است. بسیاری سعی نمودند که در فضای جنگ سرد و دعوای بین شرق و غرب او را به اتهام داشتن اندیشه های سوسیالیستی و چپ، تخطئه کنند ولی او آن قدر «بزرگ» بود که اماکان انکارش نبود.

برشت عاشق انسان، دوست و یاور کارگران، زنان، کودکان، ستم دیدگان و دشمن سرسخت ستم کاران، دیکتاتورها و استثمارگران بود.

هنرمندی که سعی دارد خود را غیرسیاسی بنمایاند ولی با وجود آن در مقابل قدرت مندان و هم در مقابل فریادهای کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند و عذاب وجدان هم ندارد، او با اشاعه «غیرسیاسی بودن» و اشاعه بدبینی نسبت به سیاسی بودن در مردم، درآمد خوبی از سوی حاکمیت دارد. آن ها با هنرشان به مسائلی اهمیت می بخشند که به هیچ وجه مهم نیستند و گول زنده هستند.

در هیاهوئی که نازی ها در باره جنگ به راه انداخته بودند هر گونه مخالفتی با جنگ مترادف «خیانت به وطن» نامیده می شد. هیتلر به مردم آلمان وانمود می کرد که جنگ چیزی جز وسیله ای برای احیای حقوق و افتخارات آلمان و آلمانی ها نیست و برای دفاع از وطن باید تهاجم کرد و «حق آلمانی ها را از حلقوم غرب به در آورد.» دستگاه تبلیغاتی هیتلر با تمام توان حتی با پست ترین شیوه ها احساسات و علائق ملی را در جهت پیش برد جنگ سوق می داد.

در این وانفسای ملی گرائی پوشالی، «مبارزین راه آزادی» برای آزادی جامعه شان تلاش می کردند، که برشت نیز یکی از آن ها بود. دشمن اصلی آن ها حکومت فاشیستی هیتلر بود و جنگ را وسیله ای برای تثبیت قدرت دیکتاتوری م دانستند. برای آن ها دشمن، مردن لهستان، روسیه، فرانسه و یا انگلیسی و آمریکائی نبود، بلکه دشمن واقعی آن ها حکومت نازی و هیتلر و کسانی که خود را در خدمت دیکتاتور قرار می دانند، بودند. همان هائی که کلام دشمن را که همان سخن دیکتاتور بود از دهانش خارج می شد. آن ها فریب بازی ملی گرائی هیتلر را نمی خوردند و در هر جائی به افشای نازیها می پرداختند.

با گذشت زمان تاریخ نشان داد که چه کسانی حق داشتند. آن هائی که در زمان هیتلر قهرمان نامیده می شدند ولی در جنایاتش شریک بودند یا آن هائی که آن روز توسط حکومت هیتلر خائن نامیده می شدند ولی بعد از سقوط دیکتاتور قهرمان نامیده شده و به تاریخچه مبارزه آزادی بخش يك ملت پیوسته و اسطوره شدند!

بشر همواره در آرزوی یک جامعه ایده آلی بوده است، همواره از وضع موجود ناراضی است، همواره خواسته است پیشرفت کند تا جائی که ارزش های آینده را کشف بکند.

سده هاست که طغیان انسان دوستانه و برابری طلبانه بر علیه سیستم سرمایه داری مطرح است، مدت طولانی است بشر چشم به سوسیالیسم دارد، ده هاست که مردم گرائی و جامعه گرائی، روشنفکران و هنرمندان زیادی را به خود جذب کرده است. جذابیت مردم گرائی در هنر به علت تاکید است که این جهت فکری بر حق، عدالت، منطق، هم دردی و ارزش های انسانی و پویا می کند.

روشنفکر و هنرمند راستین ضدخشونت، تبعیض، نابرابری، جنگ، سرکوب، سانسور، فقر و آزادی خواه است و علیه ناپسامانی های جامعه خود و جوامع دیگر مبارزه می کند. وقتی با عوامل بازدارنده مواجه می شود خاموشی نمی شود و به هر جهت، دیگر می تواند به مبارزه بر حق خود ادامه دهد.

در این میان، حکومت ها هر قدر هم که حسن نیت داشته باشند نمی توانند برای هنرمند تصمیم بگیرند و یا مانع فعالیت فرهنگی و اجتماعی آن شوند.

دفاع از آزادی و برابری، مهم ترین مسأله ای است که در هنر معاصر مطرح است. هر روشنفکری و هنرمندی در هر زمانی، و پیش از هر زمانی، چشم به آزادی داشته و کوشیده است از آن دفاع کند و به آن برسد. روشنفکر و هنرمند راستین امروز، رسالت دارد که برای احقاق این حق برای همه شهروندان جهان، تا پای جان بکوشد.

بی تردید یکی از راه های پیمودن مسیر زندگی مبارزه آزادی خواهانه و برابری طلبانه و مردمی است. اما مبارزه امری اجتناب ناپذیر است. طبیعی ست که برای رسیدن به هر هدفی ما باید مبارزه کنیم. مبارزه با موانع و مشکلات، مبارزه با سختی ها و ناتوانی ها، مبارزه با فقر نداری و بیکاری، مبارزه با جنگ برای صلح، مبارزه با فاشیسم و راسیسم، مبارزه یا سانسور و اختناق، مبارزه با شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و اجتماعی، مبارزه استثمار انسان از انسان است تا بلکه به تحقق آن ها برسیم.

در این راه روشنفکران و هنرمندان متعهد و مردمی وظایف سنگینی در راستای طرح خواسته ها و نیازهای مردمی دارند. الزامی وجود ندارد که آن ها حتما باید وارد سازمان ها و احزاب سیاسی شوند تا از حق و حقوق مردم دفاع کنند. آن ها با هنر و قلم و بیان خود می توانند نخست دردهای مردم را بیان دارند و سپس در حد توان راه حل های خود را نیز ارائه دهند. با این تفاوت که عضویت و عدم عضویت در احزاب و سازمان های سیاسی حق طبیعی روشنفکران و هنرمندان نیز هست.

بسیاری از آثار هنری، موسیقایی و ادبی که به صورت گسترده ای مورد تمجید قرار گرفته اند، حاکمان، نهادهای مذهبی، و یا احساسات عمومی زمان خود را به چالش کشیده اند.

اکنون حقیقت بزرگ زمانه ما این است که دنیای ما در وحشی گری و بربریت مدرن هر چه بیش تر فرو می رود. علت این است که مالکیت بر ثروت و تولیدات و استثمار، همواره به خشونت، زندان، شکنجه، اعدام، فاشیسم و جنگ نیاز دارد. پس چه فایده ای دارد که فقط شجاعانه بنویسم که دنیای ما وحشی شده است بدون این که دست به ریشه ها و علل اساسی آن نبریم؟

آن چه در سیاست انسان دوستانه اهمیت دارد از دل و جان بازسازی اخلاق، روان و عاطفه است تا انسان ها به مراتب قوی تر و نیرومندتر از پیش به زندگانی و امید ببندند. هنرمند نیز در این کشاکش و نبرد بی امان همواره مسؤول است تا با هنر مردم و خلاق خود، در مقابل قدرقدرت ها و سیاست های اترجاعی و غیرانسانی بایستد و دستاوردهایش به یک نیروی خلاق و یک امید بزرگ برای مردم تبدیل کند. تاریخ نشان داده این سیاست های تهاجمی، تجاوزکارانه و وحشیانه هیچ گاه ماندگار نبوده اند. هیچ قدرتی تا به امروز ماندگار نبوده و نیست بنابراین این مردمند که با اندیشه معنویت و عقاید خود هم چنان ماندگار مانده اند تا جهان و آینده را از آن خود کنند.

شش روز بعد از آغاز عملیات نظامی جدید ترکیه در مناطق کردنشین شمالی سوریه، جنایات شبه نظامیان تروریست تحت فرمان ترکیه علیه غیرنظامیان کرد، همانند داعش وحشی گری می کنند.

اکنون در مبارزه علیه تروریسم دولتی و غیردولتی در سوریه و روژآوا، نیروهای دموکراتیک سوریه در مبارزه با داعش ثابت کردند که شکست برای آن ها معنایی ندارد. مثلی معروفی است که می گویند کردها دوستانی غیر از کوهستان ها ندارند، در حالی که اکنون می بینیم که پیکارگران روژآوا، دست کم در میان افکار عمومی جهان، دوستان بی شماری دارند. ضرورت دارد این حمایت ها روز به روز تقویت شود تا نه فقط پیکارگران روژآوا و نیروهای دموکراتیک سوریه، دوستان فراوان تری داشته باشند؛ بلکه با تعمیق این دوستی میان جوامع منطقه و جهانی را بیش از پیش تقویت کنیم. پس مسؤولیت نه تنها سیاسیون؛ بلکه روشنفکران و هنرمندان ایران نیز در این میان بیش از دیگران است. شکی نیست که اردوخان و دولت های حامی او سرنوشتی جز شکست نخواهند داشت؛ اما این حرکت آنان می تواند مسیر خطرناکی را برای اهداف منطقه ای همه حکومت های جنایت کار منطقه و حامیان جهانی آنان بگشاید، مقابله با این هدف از هم اکنون می تواند تمام نقشه های آتی آنان را با شکست مواجه کند و تضمینی باشد بر گسترش افکار سوسیالیسم علمی و جوامعی بدون «دولت - ملت» با ثبات و صلح و صفا صلح در منطقه!

کم تر از دو سال پس از عملیات «شاخه زیتون» و تصرف عفرین، اردوخان عملیات دیگری را در شمال سوریه آغاز کرده است: عملیات «چشمه صلح». جالب است که ترکیه و تجاوز و اشغال گری خود را «چشمه صلح» نامیده است!

از زمان آغاز اوج گیری مبارزه حق طلبانه مردم کرد در ترکیه و مبارزه حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در دهه هشتاد میلادی در ترکیه، و در جریان حملات مداوم ارتش و پلیس ترکیه به پ.ک.ک، تاکنون بیش از چهار هزار نفر کشته شده اند. البته، این هنوز پایان کار و بیلان نهائی نیست. چرا که میلیون ها نفر در اثر فشارهای دولتی مجبور به کوچ به شهرهای بزرگ ترکیه و کشورهای اروپائی شده اند.

اکنون عملیات «چشمه صلح»، پنجمین مرحله تجاوز نظامی ترکیه در جنگ داخلی سوریه است.

مرحله اولیه این مداخله، در نوامبر ۲۰۱۱ آغاز شد: تجهیز مخالفان سنی مذهبی حکومت سوریه. در آن هنگام، پیروزی اسلام گرایان در انتخابات تونس و مصر به حزب عدالت و توسعه قدرت داد که سیاست نئوعثمانی را پیش گیرد. و خود را در راس تمام گروه های اخوان المسلمین و مسلمان ناراضی سنی مذهب در کشورهای منطقه تصور کند.

در مرحله دوم و در اوت ۲۰۱۶، ترکیه با همراهی نیروهای تحت حمایتش، به بهانه عقب راندن داعش در عملیاتی موسوم به «سپر فرات» وارد خاک سوریه شد، و با تصرف جرابلس به مواضع نیروهای دموکراتیک سوریه حمله کرد. هدف استراتژیک عملیات «سپر فرات»، جلوگیری از پیوستن سه کانتون عفرین، کوبانی و جزیره روژآوا به همدیگر بود.

عملیات «شاخه زیتون» و اشغال نظامی عفرین مرحله چهارم آن بود. تلاشی بود که راه دسترسی نیروهای کرد به آب های مدیترانه را ببندد. پس از تهاجم به عفرین، اکنون عملیات چشمه صلح حالا چهارمین مرحله مداخله ترکیه در سوریه است؛ گامی اساسی برای عقب راندن کردها از شرق فرات و تغییر نقشه تضادهای ژئوپلیتیک سوریه و تثبیت آن به نفع منافع ترکیه.

عملیات شاخه زیتون با چراغ سبز و موافقت حکومت های حامی حکومت سوریه، یعنی حکومت اسلامی ایران و حکومت روسیه صورت پذیرفت. این بار حمله روژآوا پس از چراغ سبز امریکا و عقب نشینی نیروهای امریکائی از مناطق تل ابیض و راس العین و بی تفاوتی روسیه و حکومت اسلامی اتفاق می افتد که خیلی زود ورق برگشت و پس از چند جنگ و کشتار چند روزه دولت ها و نهادهای بین المللی با فشار افکار عمومی ترکیه را تحت فشار قرار دادند. از سوئی نیروهای دموکراتیک سوریه، برای جلوگیری از نسل کشی ارتش ترکیه و گروه های تروریستی سوری حامی ترکیه، تاکتیک مذاکره با حکومت سوریه و روسیه را در پیش گرفتند. اکنون نیروهای ارتش سوریه در حال پیشروی به مرزهای شمال سوریه با ترکیه است. مرزهایی که جنگ تحمیلی و خونین ترکیه در آن جا در جریان است.

دولت ترکیه از ژوئن ۲۰۱۵ که حزب عدالت و توسعه نتوانست اکثریت مطلق مجلس را به دست بیاورد از یک سو دچار بحران شده است و از سوی دیگر اردوخان برای افزایش اقتدار خود و در قدرت ماندن به هر ترفندی متوسل می شود. از جمله کودتا بهانه دستگیری رهبران حزب دموکراتیک خلق ها را همراه با مجموعه ای دیگر از فعالان سیاسی، اجتماعی، روزنامه نگاران و حتی پاک سازی هرچه بیش تر ارتش، پلیس و قضات برای دولت اردوخان فراهم ساخت. همه پرسی قانون اساسی در ترکیه، ورود به جنگ داخلی سوریه، اشغال عفرین و اکنون تهاجم به شمال سوریه، سناریوهای دیگر از سیاست ایجاد بحران اردوخان برای احیا و تحکیم قدرت خویش است.

حمله اخیر نیز در شرایطی صورت می گیرد که ترکیه با تورم و رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می کند و مهم تر از آن، به تازگی در انتخاب محلی، حزب عدالت و توسعه کنترل چهار شهر مهم از جمله استانبول و آنکارا را از دست داده است.

طرح ترکیه بر مبنی بر نابود ساختن ساختارهای یگان های مدافع خلق روژآوا و بهانه منطقه امن برای اسکان دادن پناهندگان سوری، در واقع پاک سازی جمعیت کردنشین و احداث ده ناحیه و ۲۴۰ روستا برای اسکان یک تا دو میلیون آواره سوری سنی مذهب در عمق ۳۰ کیلومتری خاک سوریه، به روشنی اقدامی در جهت شکل گیری «کریدور صلحی» که اردو خان با جنگ و روی خون یگان های مدافع خلق و مردم روژآوا، می خواهد بنا کند، نه فقط در جریان عملیات چشمه صلح، بلکه جنگی که شاید سال ها بحران ایجاد کند.



نگاهی به زندگی هنری احمد کایا، تا حدودی با فضای سیاسی آن دوره ترکیه نیز آشنا می شویم. احمد کایا در دوران خود، معروف تر از همه خوانندگان ترکیه بود به خصوص وی، هنرمندی مبارز و مردمی بود.

احمد کایا، یکی از محبوبترین و مبارزترین ترانه سرایان و خوانندگان معترض و سرشناس ترکیه بود. اگر بگوئیم وی میلیونها هوادار داشت و دارد اغراق نکرده ایم. شعر و ترانه های احمد کایا، در قالب سبکی به نام پروتست (اعتراض) ارائه شده و از همین رو، او بنیانگذار این سبک در ترکیه شناخته شده است. چنان که در دنیای موسیقی نیز او را پایه گذار سبک موسیقی آزاد و رپخوانی در ترکیه می خوانند.

احمد کایا، متولد ۲۸ اکتبر سال ۱۹۵۷ در شهر مالاتیای ترکیه است و پنجمین و آخرین فرزند خانواده کایا بود. وی از پنج سالگی با باقلاما -سه تار ترکی- آشنا شد. وی ترانه و سرودهای خود را به زبان های ترکی و کردی سروده و خوانده است.

یکی از اولین ترانه های او که در سنین کودکی و برای برادر بزرگش «باشار» ساخته بود چنین است: یک فولکس واگن خواهم خرید و اسمش را باشار خواهم گذاشت ... وی یک بار هم در روز کارگر، با ساز باقلاما به اجرای برنامه پرداخته بود.

احمد کایا در نوجوانی، به خاطر شرایط دشوار زندگی پدرش، به همراه خانواده به شهر استانبول نقل مکان کرد. پدر او که پیش ترها در یک کارخانه نساجی کار می کرد، در استانبول در نمایشگاهی به پادوئی مشغول شد. احمد در باره ی موقعیت پدرش در این دوران گفته است: «هر روز که از مدرسه به سوی خانه می رفتم، پدر را می دیدم که مشغول شستشوی اتومبیل است و همیشه پیش خود می گفتم؛ وقتی که بزرگ شدم برای پدر نمایشگاهی خواهم خرید تا ارباب خود باشد.»

احمد که کوچکترین عضو خانواده بود در شرایط بسیار دشوار و سخت، زندگی را می گذراند. او گفته است: روز هائی بود که برای سوار شدن به اتوبوس پولی نداشتم تا بلیط بخرم.

دوران جوانی احمد کایا، همزمان بود با کودتای ارتش به فرماندهی ژنرال کنعان اورن. این سومین کودتای بود که در سپتامبر ۱۹۸۰، به وقوع پیوست و خفقان شدیدی را بر فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ترکیه حاکم کرد. کایا در چهارده سالگی، تحت تاثیر فضای سیاسی آن دوران ترکیه که ناشی از کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ و دو کودتای پیش از آن بود، اولین اشعار رسمی خود را به روی کاغذ آورد. همزمان شغل هائی از قبیل رانندگی کامیون، فروشندگی و... را تجربه کرد.

وی در سال ۱۹۸۵، تصمیم به انتشار آلبومی از آثارش گرفت و راهی خیابان اون کاپی، محله هنری استانبول شد. اما کسی آماده سرمایه‌گذاری برای او نبود؛ چرا که روش کار او با هیچ یک از سبک‌های ویژه موسیقی ترکیه همخوانی نداشت. با این حال، او با کمک شماری از دوستانش نخستین آلبوم خود را با نام «گریه نکن کوچولو»، ضبط و انتشار داد. این آلبوم به سرعت از طرف دولت توقیف و گردآوری شد. اعتراض‌های مکرر احمد کایا بی‌نتیجه ماند و کار به رسانه‌ها کشیده شد. سرانجام دادگاه رای لغو توقیف آلبوم را صادر کرد. استقبال بسیار زیاد از این آلبوم، احمد کایا را در راهی که برگزیده بود، مصمم‌تر کرد. از آن تاریخ به بعد، احمد کایا به عنوان صدای کارگران و ستمدیدگان جامعه و همچنین مردم زیر ستم، مانند مردم کرد و... شناخته شد.

احمد کایا، ترانه‌سرایی، سرودخوانی و ترانه‌خوانی را همچون سلاحی برای مبارزه با سانسور و اختناق، بی‌دادگری‌های سیاسی، اجتماعی فرهنگی و سرکوب مردم برگزیده بود. وی بارها دستگیر شد و آلبوم‌هایش توقیف و کنسرت‌هایش لغو گردید؛ حتی کنسرت‌هایی که پیشاپیش پروانه‌ی اجرای آن‌ها صادر شده بودند. کنسرت‌های وی، در سرتاسر کشور با استقبال بسیار شایان توجهی روبرو می‌شد. احمد کایا، همیشه پا برهنه بر صحنه کنسرت‌هایش ظاهر می‌شد و انگشتانش را به نشانه‌ی پیروزی بالا می‌گرفت. او سبک‌های مختلفی را در موسیقی تجربه کرد؛ از موسیقی محلی و سنتی گرفته تا رپ و راک که البته در همه‌ی آن‌ها موفق بود.

احمد کایا، بارها با دوستانش به سرتاسر ترکیه سفر کرد و کنسرت داد و نمایش اجرا کرد و رقص‌های محلی ترتیب داد. همیشه در این برنامه‌ها با قلاما را در بغل گرفته و می‌خواند. وی در راهپیمائی‌های شب‌های انقلابی که از سوی اتحادیه‌های صنفی و انجمن‌های دانش‌آموزان برگزار می‌شد، فعالانه شرکت می‌جست. بدین‌سان، او بر آن بود که برای جامعه‌ی تحقق پوشاندن بر خواست‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تمام شهروندان مبارزه کند. به ویژه او، پشتیبان حقوق کردهای ترکیه بود که پیوسته در حاکمیت ناسیونالیست‌های ترک، چونان مردم تحت ستم، از تمام حقوق‌شان به‌دور نگه داشته شده و مورد ظلم و فشار قرار داشتند و این داستان هنوز نیز، ادامه دارد.

در سال ۱۹۸۶، انتشار آلبوم سوم احمد کایا با نام «لحظه‌ای خواهد رسید»، دوباره جنجال آفرید. او در این آلبوم یکی از سروده‌های اولکو تامر، شاعر کمونیست ترکیه را به‌آواز خوانده بود که در همان زمان با حکم اعدام در زندان بود. بدین‌سان، احمد کایا در درازای دو سال، به‌صدای مقاومت در برابر حکومت کودتاگران تبدیل شده بود.

حضور احمد کایا در هر مجمعی مورد توجه و بحث برانگیز بود؛ چرا که وی با جسارت تحسین برانگیزی، انتقادات خود را علیه دولت و مخالفان آزادی بیان و اندیشه و سامانه‌های سیاسی بیان می‌کرد و با مخالفت شدید هواداران حاکمیت روبرو می‌شد. از همین‌رو، احمد کایا، سال‌ها از اجرای کنسرت در داخل ترکیه محروم بود. خود می‌گفت: کاری خواهد کرد که نام و اثر او هیچ‌گاه از ذهن مخالفانش پاک نشود. یکبار در برنامه‌ای تلویزیونی اعلام کرد؛ کفن خویش را هر زمان با خود حمل می‌کند و هر لحظه آماده‌ی مرگ در راه آزادی است!

احمد کایا ترانه‌سرا و خواننده سرشناس کرد تبار ترکیه، در سراسر زندگی خود بارها از سوی دادگاه امنیت ملی توقیف و بازداشت شده است. این پیگردها چنان با زندگی او درآمیخته بود که در مصاحبه‌ای گفت: آدرس دوم من اداره‌ی امنیت ملی ترکیه است.

احمد کایا، در عمر کوتاه خود، زندگی پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت و سرانجام به‌دلایل مشکوکی در پاریس چشم از جهان فرو پوشید.

از احمد کایا در مجموع ۲۲ آلبوم به جا مانده که ۱۹ نسخه آن‌ها در حیاتش و ۳ نسخه پس از مرگش به نشر رسیده‌اند.

(منبع: کتاب «صدای بلند جان‌های جهان؛ از احمد کایا تا باب دیلان» به قلم بهرام رحمانی، نشر کتاب ارزان، ۲۰۱۶)

مطلب را با سروده ای از زنده یاد احمد کایا به نام «ترانه ی دیاربکر» از «یوسف هایال اوغلو» به پایان می برم که «احمد کایا» آن را خوانده است:

در آغوش دیاربکر با ضرب گلوله‌ای به زمین می‌افتم  
این غرّش تفنگ، در هر کجا که باشم آشنای من است!  
می‌دانم در این کوه‌ها جوانی‌ام در آتش خشم خواهد سوخت  
و چون ماه در اشک‌هایم باز بتابد، باز هم شبگرد خواهم بود  
غمگین مشو، مشو و پیشاپیش چنین سر، خم مکن  
با طلوعی دو باره، باز  
راهی مقصدی خواهیم بود؛ بی‌تابی مکن، دیاربکر  
گریه مکن و با بدبینی منگر به زندگانی این آتش روزی خاموش خواهد شد، دیاربکر گریه مکن  
از لرزش تند و نابهنجار زمین‌لرزه‌ها می‌هراسم، مسخ می‌شوم  
در راه دیاربکر از این زلزله‌ها خونین می‌شوم  
رنگ از چهره‌ی یارانم می‌پرد و  
آفتاب بر دشت‌ها پهن می‌شود،  
من از قهر نابه‌جا شرمسار می‌شوم.  
ای سرزمین توفانی پر آشوب من، دیاربکر ستم‌دیده  
در کوه‌های تو آتشی رنگ پریده‌ست و در تقدیر من فرسودگی عریانی  
چون زعفران‌های افسرده، چون مادران در لحظه‌ی فریاد  
می‌افتم به‌پاهایت، دیاربکر، گریه بس است.

بی‌گمان افکار عمومی مترقی و آگاه جهان، مبارزه و مقاومت رشک برانگیز و سرنوشت‌ساز زنان و مردان روژآوا را از یک سو و جنگ و جنایت و فاشیسم دولت و ارتش ترکیه را هرگز فراموش نخواهد کرد! چرا که مقاومت و مبارزه، بهای گران‌قیمی است که باید برای رسیدن به آرامش، صلح، شادی، عشق، آزادی، برابری و جامعه بدون تبعیض و استثمار، پرداخته شود. جنگ تحمیلی و تهاجمی، جنگ وحشی هاست؛ آن که از خود دفاع می‌کند، سزاوار بهترین و والاترین قدرانی‌ها و حمایت هاست. تا آسایش و آزادی وجود نداشته باشد، هیچ کس به آرامش و آزادی نخواهد رسید! در این راه، راه سخت و پرخطر، وظایف آگاهانه و داوطلبانه روشنفکران و هنرمندان مردمی، بس سنگین و حائز اهمیت است!

چهارشنبه بیست و چهارم مهر [میزان] ۱۳۹۸ – شانزدهم اکتوبر ۲۰۱۹